

برنامه  
درسی مصوب  
پیش‌بینی شده  
در سال تحصیلی  
۱۳۹۲

# گزارش نشست گروه زبان و ادب فارسی

## با سرگروه‌های شهر و شهرستان‌های مناطق تهران

سمانه نادری دلپاک

در پی تغییرات و دگرگونی‌هایی که در سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های درسی از سال‌های گذشته آغاز شده بود، ۱۴ اردیبهشت ۹۲ در نشستی با سرگروه‌های درسی زبان و ادب فارسی شهر و مناطق شهرستان‌های استان تهران تغییرات مزبور مطرح شد تا مشکلات احتمالی بررسی شود. از جمله موضوعات این نشست لزوم پرورش مهارت‌های خوانداری و نوشتاری زبان فارسی، میزان و چگونگی تغییرات محتوای کتاب‌های درسی، و سیاست‌های برنامه‌ریزی و آموزشی را می‌توان نام برد. این نشست با حضور آقای دکتر فریدون اکبری شلدره، رئیس گروه زبان و ادب فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، آقای کوروش امیری‌نیا، معاون دوره متوسطه دفتر تألیف، آقای دکتر حسین قاسم‌پور مقدم، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادب فارسی دفتر تألیف و خانم دکتر معصومه نجفی، کارشناس گروه زبان و ادب فارسی دفتر تألیف، آقای علیرضا چنگیزی و خانم سلطانی، دبیران مجرب، در جمع سرگروه‌های مناطق نوزده‌گانه شهر تهران و معلمان زبان و ادب فارسی برگزار شد.



### لزوم برپایی نشست و موضوعات مطرح شده

در ادامه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های درسی از سال‌های گذشته آغاز شده بود، امسال کتاب سال سوم دبستان و پایه اول متوسطه را پیش‌رو داریم. قصد ما این بود که پیش از تعطیلی مدارس و پراکندگی معلمان نشستی با هم داشته باشیم و بخشی از برنامه خود را به دوستان و همکاران اطلاع دهیم. اشاعه برنامه پیش از تعطیلی مدارس در سال تحصیلی جاری و اطلاع‌رسانی به همکاران در این زمینه سبب می‌شود اندکی از هراس‌ها و نگرانی‌های ذهنی همکاران کاهش یابد. در این نشست شما را با ساختار برنامه درسی، چگونگی و میزان تغییرات درس ادبیات فارسی در دوره اول متوسطه آشنا خواهیم کرد. همچنین شرح خواهیم داد که برنامه درسی فارسی در سال‌های دوم و سوم چه تغییراتی خواهد داشت. گام اول ما در این نشست، تداوم و تمرکز و هم‌نوایی با افرادی است که اکنون در این نشست حضور دارند و افراد جدیدی که به این جمع خواهند

پیوست. از جمله موضوعاتی که مطرح خواهیم ساخت زمان‌بندی و ساعت درس معلمان، و آموزش نیروی انسانی در دوره متوسطه است. مقصود از مهارت‌های خوانداری، عناصر و سازه‌های مهارت‌های گفتاری و شفاهی زبان است و اینکه در آموزش زبان فارسی تاکنون چقدر به‌عنوان معلم به ریزمهارت‌های خواندن مثل درنگ، تکیه و لحن توجه کرده‌ایم. در مجموع قرار است که برای زبان فارسی در دو قلمرو مهارت‌های خوانداری و مهارت‌های نوشتاری برنامه‌ریزی کنیم و آموزش را پیش ببریم. کتاب بر مبنای این دو بنیان سازمان‌دهی می‌شود، اما نه در دو جلد جداگانه. این دو قلمرو در تألیف همزاد و همراه با هم در یک کتاب ارائه می‌شوند. البته اگر می‌توانستیم دو جلد کتاب ارائه بدهیم بهتر بود، اما فعلاً نگاه ما تلفیق این دو قلمرو در یک جلد است. سپس سرگروه‌های مناطق به نکاتی اشاره کردند:

#### دکتر اکبری شلدره:

اولین بار در کشور در هم‌آورد

مهارت‌های خوانداری، سبزی در خواندار زبان فارسی بین دانش‌آموزان روی داد که دانش‌آموزان با تمام اشکال و کمال زیبایی، در قلمرو آوایی زبان در برابر جمع روخوانی می‌کردند. اما همین بچه‌ها لغزش‌های بدی داشتند که برخاسته از عملکرد معلمان بود. پیشنهاد خوبی است که در همه مناطق با همکاری شما هم‌آوردی‌هایی برگزار شود که مخاطبشان معلمان باشند. هم‌آورد خواندن در فارسی دوره‌های اول و دوم متوسطه که در آن بیاموزیم، متن را می‌شود با آهنگ زیباتری خواند و زیبایی زبانی را حس کرد.

#### سیدحسین التجاء

(منطقه ۳):

خوب است هم‌آوردی‌هایی برای همکاران و معلمان ادبیات برگزار شود و برای بهتر کار کردن و ایجاد انگیزه در همکاران اقداماتی ترتیب داده شود.

### پروورش مهارت‌های خوانداری

مهارت‌های خوانداری از دو واژه مهارت و خوانداری (خواند+ار) می‌توسیل شده است. در اینجا مهارت جمع بسته شده است و نکته اینجاست که مهارت فقط در روخوانی نیست. روخوانی یکی از کارکردهای ما در خواندن است.

هدف در پروراندن مهارت‌های خوانداری گشودن دریچه‌های چشم، روح و حس و حال است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «چشم‌ها پیشاهنگان عقل و خردند». نباید به آسانی از کنار این حرف گذشت. این گزینه‌گویی‌ها به قدر کتاب‌ها می‌آرزد. در کتاب «کشف‌المحجوب» من به این کلام رسیدم که به واقع ترجمه‌ای از کلام حضرت علی (ع) است و می‌گوید: «خداوند انسان را آفریده و در او پنج در تعبیه کرده است: در دیدن، در شنیدن، در چشیدن، در بوییدن، در پسودن، و این پنج، سپهسالاران عقل و علم‌اند.»

می‌خواهیم در آموزش زبان فارسی از این دریچه‌ها بهره بگیریم.

مگر خواندن نخستین دریچه خوب دیدن نیست؟ خوانش پیوسته است با گام‌هایی پیش از دیدن. دیدن دریچه خوب گوش دادن است. خوب گوش دادن دریچه‌ای است برای فعال‌سازی ذهن و زبان. در هم‌آورد زبان‌آموزی یکی از کارهای ما همین است: «تربیت مهارت خوب گوش کردن» که بعدها بتواند ما را به خوانش و ادراک خوانداری برساند.

چه میزان ما در آموزش زبان این دریچه‌ها را به بازی می‌گیریم؟ چقدر این دریچه‌ها گشوده‌اند؟ گشودن دریچه‌های گوش و چشم دانش‌آموزان با تلنگرهای من و شما امکان‌پذیر است. وقتی شما کسی را به آهنگ و آیین آموزش می‌دهید، سبب بیداری حس خفته دانش‌آموز خواهید شد. اگر یک بیت شعر به‌درستی خوانده شود، هر فارسی‌زبان زبان‌فهمی را به درنگ وامی‌دارد. اما اگر فراز و فرودهای زبانی رعایت نشود، ارج و شکوه زبانی از بین می‌رود. علما بر این باور بودند که زبان فارسی برای خودش موسیقی، وزن و آهنگ دارد. ایرانیان تواناترین سخنوران بودند، امروز چه بر سر زبان ما آمده است؟

## اهداف آموزشی در پرورش فن بیان دانش‌آموزان

ما چقدر در سخنوری به پرورش فن بیان دانش‌آموزان توجه داریم؟ چقدر به آن‌ها فرصت گفتن می‌دهیم؟ بخشی از تمرین‌ها و فعالیت‌های کتاب به‌طور آگاهانه به قصد پرورش فن بیان طراحی شده است، در حالی که معلمان آن را به املا تبدیل و دانش‌آموز را وامی‌دارند بنویسد. وقتی آگاهانه کتاب را در برنامه‌ریزی، دوکفه‌ای می‌بینیم، کفه مهارت‌های خوانداری پهنه ورزش‌های کلامی است؛ یعنی بگو، بشنو و ببین. قلمرو دیگر، پهنه مهارت‌های نوشتاری است. هر چه می‌خواهد دل تنگت بنویس. این سامانه‌ها را باید در آموزش با درنگ پیش برد. خواهش من این است که برای سال تحصیلی ۱۳۹۲ که با ما برای اشاعه بهتر برنامه همراه خواهید شد، به این ساختار و سازمان‌دهی توجه کنید. به اهداف آموزشی هر یک از عناصر سازه‌ای در برنامه با درنگ نگاه کنید. اگر این‌گونه طراحی شده، حتماً قصدی در آن بوده است. گاهی ما به تجربیات بدی برمی‌خوریم که البته تلنگری بر ماست. چند سال پیش که کتاب راهنمایی تازه درآمده بود، از یک کلاس بازدید داشتیم که بی‌توجهی به ساختار سازه‌ای کتاب در آن آشکار بود. با دیدن کتاب دانش‌آموزان، آهنگ آموزش هر همکار را می‌توان دید. در ردیف اول تمرین‌های نوشتاری، دانش‌آموزان تمام تمرین‌های شماره یک کتاب را لاک گرفته بودند. همین‌طور ردیف دوم تا آخر. این صدا پیداست که از کجا برخاسته است، چون همه کلاس همگون عمل کرده بودند. سؤال اول نوشتاری این بود: «از متن درس واژه‌هایی را که ارزش املائی دارند، بنویس». آن تمرین اگرچه ساده بود اما اجبار بازگشت به درس و نگاه به واژگان املائی و بازخوانی درس را در خود داشت. بازخوانی درس از یک طرف پرورش تشخیص و خوب دیدن است و از طرف دیگر شناخت بافت و ساخت املائی و توجه به جمله‌های به‌کار رفته! چهار تا پنج هدف مهم آموزشی پشت یک تمرین ساده نشسته است. توجه به ساختار کتاب و مجال دادن به مهارت‌های خوانداری و مهارت‌های نوشتاری از بنیادهای فکری ما در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی محتواس.

دومین دریچه‌ای که باید به سراغ آن رفت، دریچه گوش است. در «مثنوی» می‌خوانیم:

**جانور فربه شود از راه نوش**

**آدمی فربه شود از راه گوش**

این کار من و شماست. فربه‌سازی ذهن و زبان از دریچه‌های گوش؛ رعایت کردن بافت‌های آوایی زبان در خوانش متن. اگر شما یک درس حماسی را می‌خوانید، آهنگ رفتار شما در خوانش باید به دانش‌آموز بفهماند که این متن لحن حماسی دارد، اما متنی که حس و حال غنایی دارد از آهنگ متفاوتی برخوردار است. در این بخش ما نیاز داریم که آموزش جدیدتری ببینیم و ارائه دهیم؛ آموزش پاره مهارت‌های خوانداری. آموزشی که هیچ‌کس تا امروز از دبستان تا دانشگاه به من و

شما یاد نداده است. ما اولین قدم را در این راه برمی‌داریم و دلیلش هم این است که ما زبان فارسی را در جامعه به‌طور طبیعی و به‌خودی خود فراگرفته‌ایم. اکنون که کار من و شما آموزش است، باید به خودمان کمک کنیم در کشور و در قلمرو مهارت‌های خوانداری، با هدف خوانش متن و برای رسیدن به ادراک درست، هماوردهایی را اجرا کنیم.

سومین دریچه در مهارت‌های خوانداری، «پسودن» است. ما فکر می‌کنیم فقط این دو دیده، چشم‌هایی هستند برای پروراندن ذهن. نه، حواس! این پنج حس، سپهسالاران علم‌اند. این حس را چقدر در آموزش زبان به بازی می‌گیرید؟ من فکر می‌کنم زیباترین حس برای پرورش فکر در انشا، بهره‌گیری از همین حواس است؛ به‌ویژه حس لامسه.

چهارمین حس بویایی است. چقدر به پهنای ذهنی و فکری بچه‌ها تلنگر زده‌اید که نسبت به رنگ و بوی واژگان درنگ کنند؟ این‌ها هر کدام زمینه‌های لطیف و حس برانگیزی را در بچه‌ها ایجاد می‌کند. واژه معلم چه رنگی دارد؟ چه بویی دارد؟ واژه دیو چه رنگ و بویی دارد؟ خیلی ساده می‌شود به‌طور قیاسی این کار را انجام داد. چون یکی از راه‌های پرورش ذهن بهره‌گیری از عنصر «قیاس» است. بنابراین یکی از روش‌هایی که در پرورش مهارت‌های خوانداری برای ما دبیران زبان فارسی مفید است، برانگیختن حواس برونی و ظاهری است. چون اینان دریچه‌هایی برای توانمندسازی ذهن زبان‌آموزند که من به آن‌ها می‌گویم «رودهای درون‌ریز»؛ رودهایی خروشان که از ستیخ قلعه‌ها سربرمی‌کشند و به سوی دامنه‌ها سرازیر می‌شوند و به ذهن کودک می‌ریزند. وقتی با چشم سر می‌بینید با این حس لمس می‌کنید و می‌توانید برای کلاس توصیف کنید. این یعنی زبان‌گشایی؛ یعنی مجال دادن به خیال، چون خیال شما دارد زایا و پرورده می‌شود. کسی که از حواسش نتواند استفاده کند و نتواند حواسش را بپروراند، نوشتنش هم خشک است. من به این افراد «دبیران خشک‌خامه» می‌گویم.

بسیاری از همکاران ما دریچه‌های ذهنشان بسته است و خوانش خشکی دارند. اول باید دریچه‌هایمان را به سمت دنیای ذهن خودمان بگشاییم و حس لطیف خودمان را به دنیای ذهنمان دعوت کنیم، تا بعد بتوانیم ذهن زبان‌آموز را هم به‌خوبی ورز بدهیم و بپرورانیم. همه این‌ها به این منظور است که در خوانش قدرتمند شود. ما معتقدیم هر واژه در هر زبان و هر ساختی در زبان، روح و عمر دارد. شما همواره دستور درس داده‌اید و گفته‌اید که انواع جمله از دید خبر عبارت‌اند از: خبری، پرسشی، عاطفی و امری. من می‌گویم این هیچ ارزشی ندارد، اگر شما به سراغ پیام‌های عاطفی و حسی این جمله‌ها نروید. ما فقط گفته‌ایم اگر در آخر جمله این علامت را گذاشته باشند، سؤالی می‌شود و... این‌ها پوسته زبان‌اند؛ روح زبان نیستند. کار من و شما گشودن چشم درون به سمت روشنایی است. کار دبیران زبان و ادب فارسی واژه‌آموزی نیست، بلکه انتقال حس و حال زبان است. ما نه در مدرسه و نه در دانشگاه این آموزش‌ها را نداشته‌ایم.



میترا حمدخمسه

(منطقه ۴):

چه خوب بود نکاتی در مورد مهارت‌های خوانداری در جدول پیشنهادی دانش‌زبانی به جای بخش بن ماضی و مضارع و... لابه‌لای این نکات زبانی می‌آمد که برای درس‌های اول حالت تکرار دوره پیش را داشت. یا این نکات در قالب جزوه به همکاران ارائه می‌شد.

دکتر اکبری شلدره:

در کتاب این نکات برای دانش‌آموز با بیانی دیگر آمده است. مثلاً این شعر را با آهنگ دیگری هم می‌شود خواند! اما برای همکاران در راهنمای معلم می‌گوییم که این لحن، لحن روایی است و آهنگ و لحن شعر دیگر تعلیمی است. این آموزش‌ها برای آن است که در کلاس بتواند آن‌ها را به کار بگیرد.

نسرین

فرجیان عباسی (منطقه ۲):

تمرین‌های مرتبط با دانش‌های زبانی در کتاب کم‌رنگ‌اند و بچه‌ها در ورود به دبیرستان دچار مشکل می‌شوند. لطفاً به تمرین‌هایی پیرامون دانش‌های زبانی در راستای حل این مشکل توجه بیشتری شود.

دکتر اکبری شلدره:

در این تغییرات سعی کرده‌ایم چنین کاستی‌هایی را برطرف کنیم. در بخش مهارت‌های نوشتاری، فعالیت‌هایی طبقه‌بندی شده را نوشته‌ایم و به تمرین‌ها اضافه کرده‌ایم.

اعظم تاجیک (منطقه ۱):

بچه‌ها باید از ادبیات لذت ببرند و با توجه به مسئله نمره، همه باید قبول شوند. بنابراین هم معلم باید لذت ببرد هم دانش‌آموز و راهی نداریم جز اینکه تولیدات ادبی دانش‌آموزان را افزایش دهیم: شعر بگویند؛ داستان بنویسند؛ به روزنامه و رسانه مطلب بدهند و... اجازه بدهند معلمان متخصص کار کنند.

## دکتر نجفی

### تغییرات روش زبان‌آموزی و نکاتی در آموزش زبان فارسی

در اصلاح نکات دستوری کوشیده‌ایم بحث آموزش زبان فارسی از آن پراکندگی به یک نظم برسد. اگر تاریخچه دستورنویسی را مطالعه کرده باشید، می‌دانید دستورنویسان متقدم با صرف شروع می‌کردند و متأخرین با نحو شروع می‌کنند. ما هم از نحو شروع کرده‌ایم. دانش‌آموز باید آن قدر دانش زبانی را با ارتباطات زبانی نزدیک ببیند که چیزی برای حفظیات نداشته باشد. از کل به جزء مطالب با انواع جمله آغاز شده است. البته جمله را به نهاد و گزاره قسمت نکرده‌ایم. به عمد این موضوع را کنار گذاشته‌ایم و با فعل شروع کرده‌ایم. رأس هرم، فعل را به عنوان نقطه ثقل قرار داده‌ایم. دانش‌آموز در درس اول معرفی جمله را می‌آموزد و در درس‌های بعد در صحبت با دیگران اجزای جمله و ضرورت و اهمیت نهاد، مفعول، متمم و... را ارزیابی می‌کند. در بیان ویژگی‌های فعل سعی کرده‌ایم از مباحث کلیشه‌ای بپرهیزیم. زمان در این قالب بیان شده است که وقتی فرد صحبت می‌کند، بفهمد درباره امروز، دیروز و یا فردا حرف می‌زند. در رابطه با شخص هم مباحث دستوری را به صحبت‌ها پیوند زده‌ایم. زبان وسیله انتقال پیام است. نباید دستور زبان کلیشه‌ای باعث شود که پیام در حاشیه قرار بگیرد.

این سیر مباحث در شکلی هدفمند ارائه شده است که ان‌شاءالله در جلسات آموزش معلمان بحث نظری آن را مطرح می‌کنیم. عنوان فعالیت ما دانش زبانی است. زبان از پیچیده‌ترین فعالیت‌های ذهنی است و کارش آن قدر پیچیده است که می‌تواند باعث شناخت جهان و آنچه در آن هست بشود. باید سعی کنیم مباحث درس را در جهت زبان‌آموزی نظم دهیم و مهارت‌های زبانی بچه‌ها را تقویت کنیم. متأسفانه به دلیل اینکه عنوان درس زبان و ادب فارسی است، فکر می‌کنیم باید به ادبی صحبت کردن و ادبی نوشتن بپردازیم. اما واقعیت این است که باید اول عادی سخن گفتن و عادی نوشتن را بیاموزیم و در مراحل بعدی به آموختن ادبی نوشتن بپردازیم.

## دو کتاب در قالب یک کتاب

دو و چهار ساعته‌اند. برای ادبیات فارسی چهار ساعت پیش‌بینی شده است که نسبت به سال پیش یک ساعت از آن کم شده است. سه ساعت درس زبان انگلیسی به دو ساعت و شش ساعت درس دینی و زبان عربی به پنج ساعت کاهش یافته است. این تغییرات باید بر مبنای ۳۰ ساعت برنامه‌ریزی درسی ایجاد شوند. نکته‌ای که باید بگوییم این است که ۵۰ ساعت در اختیار خود مدارس است که برنامه آن را دفتر تألیف پیشنهاد می‌کند. تک‌تک گروه‌های درسی ما از آن ۵۰ ساعت استفاده می‌کنند. ۵۰ درصد در اختیار اداره کل است. با این تعریف رفته‌رفته بحث عدم تمرکز مطرح می‌شود. ۳۰ درصد هم در اختیار استان‌ها قرار می‌گیرد. مشکلاتی که در پایه ششم داشتیم، عمدتاً به سمت علوم و ریاضی سوق پیدا می‌کند. ممکن است این نگرانی برای درس عربی و زبان انگلیسی که جدیدالتألیف‌اند ایجاد شود. لازم به ذکر است که ساعت درس زبان و ادب فارسی هنوز به تصویب شورای عالی نرسیده است و غیرقابل استناد است و می‌توان به آن اعتراض داشت.

## کاهش مطالب درسی با هدف کیفیت در آموزش

نکته دیگر اینکه ما هر چه به جلو می‌رویم، مجبوریم عناوین درسی را کاهش دهیم. در حال حاضر ۱۳ عنوان درس در کارنامه دانش آموز می‌آید. تحول ایجاد شده باید در عناوین هم اعمال شود. باید عناوین درسی را کاهش داد. در برخی دروس ما توانسته‌ایم این تحول را ایجاد کنیم. درس‌های تاریخ و جغرافیا در یک کتاب گنجانده شده‌اند. احتمال تلفیق دیگر درس‌ها هم وجود دارد. شاید ده عنوان درس پیش‌بینی شده را به هشت عنوان کاهش دهیم. از آقای دکتر اکبری شلدره و همکارانشان در گروه زبان و ادب فارسی خواستیم که محتوای چهار ساعت را در نظر بگیرند و با مقاومت‌های این گروه به این جمع‌بندی رسیدیم که اجرای جلسات، کمک حال جدی ما در تحقق اهدافی است که از قبل پیش‌بینی کرده‌ایم.

## اجرای آزمایشی کتاب‌های تازه تألیف

اجرای آزمایشی کتاب‌های تازه تألیف، سراسری شده است. کتاب‌های جدید در برخی مناطق در چند کلاس در حال اجرا هستند. برای مثال، زبان عربی در استان تهران و استان البرز در حال اجراست. در برنامه است که همه کتاب‌های جدیدالتألیف با فرایند اعتباربخشی به‌صورت محدود اجرای آزمایشی داشته باشند تا نواقص آن‌ها دیده شود.

### سیده فرحناز

#### تالاری (منطقه ۱۳):

تأکید من بر کلاس‌های ضمن خدمت است. نقص معلمان ما این است که ارتباطشان با دانشگاه و محیط آموزشی به ۲۰ سال پیش برمی‌گردد و سبک آموزش آن‌ها به روز نیست.

ما در برنامه درسی پایه اول متوسطه سیاستی را که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طراحی کرده است اجرا می‌کنیم. بر این اساس، ما در حوزه تألیف کتاب‌های درسی دو گروه کتاب داریم: گروهی جدیدالتألیف‌اند و برخی نه. مثلاً کتاب‌های عربی، زبان انگلیسی، کار و فناوری. مطالعات اجتماعی، دینی و فارسی. عمر طولانی نداشته‌اند. در دوره راهنمایی در دو کتاب «مهارت‌های خوانداری» و «مهارت‌های نوشتاری» تألیف شده بود که به دلیل محدودیت‌هایی که در مجموعه سازمان در خصوص کاغذ و آموزش معلمان ایجاد شد، ترجیح دادیم کتاب فعلی را مینا قرار بدهیم و ۳۰ تا ۴۰ درصد تغییرات در آن اعمال شود و بخش مستقلی با عنوان «مهارت‌های نوشتاری» در انتهای کتاب بگنجانیم. در مجموع دو کتابی که پیش‌بینی شده بود، در قالب یک کتاب بیرون خواهد آمد. این سیاست طی دو سال آینده ادامه خواهد داشت، زمانی که بچه‌ها از پایه چهارم ابتدایی به پایه اول متوسطه رسیدند، بعد از گذشت سه سال، ما این دو کتاب را مستقل از هم ارائه خواهیم داد.

## کاهش عنوان‌های درسی و تلفیق درسی‌ها

بعضی کتاب‌ها ۲۰ تا ۳۰ درصد تغییر کرده‌اند. حدود ۱۳ عنوان کتاب را برای نظرخواهی به برخی مناطق فرستاده‌ایم. در حال حاضر نمی‌توانیم بگوییم که به‌طور قطعی برای مهر ۱۳۹۲ چه خواهیم داشت، اما طبق جداول ارسالی به مناطق باید بگوییم که برخی درس‌ها تلفیق خواهند شد. مثلاً درس‌های دینی، قرآن و عربی یکی هستند، اما عملاً در تدریس جدا می‌شوند. دو درس جدید به نام‌های «آداب و مهارت‌های زندگی» و «تفکر و پژوهش» داریم که خیلی از دبیران با آن‌ها موافق بودند و به‌طور کلی از اقبال خوبی بهره‌مند شدند. ارزشیابی پژوهشگاه هم مثبت بود. در پایه اول متوسطه کتاب «آداب و مهارت‌های زندگی» و «تفکر و پژوهش» در قالب «فکر و زندگی» وارد نظام آموزشی ما خواهد شد.

## کاهش ساعات درسی در برنامه‌ریزی جدید

بحث دیگر، کاهش یک ساعت درسی از زبان انگلیسی، قرآن و زبان و ادب فارسی است. طبق برنامه درسی ملی پیش‌بینی شده است در طول سال برای دوره اول متوسطه ۱۱۱۰ ساعت درس داشته باشیم که در هفته به‌طور میانگین ۳۰ ساعت درسی خواهیم داشت که به‌صورت تک زنگ هستند. اجرای این ۳۰ ساعت به‌صورت تک زنگ ما را ۲۵ دقیقه به معلمان بدهکار می‌کند. به عبارت دیگر شما پنج تا ۴۵ دقیقه دارید.

در این برنامه به صراحت تأکید شده است که آموزش‌ها به‌صورت تک زنگ و ۵۰ دقیقه‌ای خواهد بود. این موضوع هم در جدول قید شده است هم در برنامه درسی ملی. در این مورد چالش‌هایی خواهیم داشت. به جز یک درس سه ساعته و قرآن که یک ساعته است، بقیه درس‌ها

## \* تغییرات زبان شناسی کتاب

تغییرات کتاب بنیادی نیست و ما با هم‌فکری تصمیم گرفتیم در بخش آموزش دستور و زبان شناسی، نظم خاصی را ایجاد کنیم. تغییری که در بخش نوشتن اتفاق افتاد به این شکل است که در هر درس نکته‌آملایی و موضوع نگارشی ارائه می‌دهیم. سعی کرده‌ایم دانش‌آموزان را با نمونه‌های متفاوت سؤال‌های آملایی آشنا کنیم. تمرین‌ها از ساده به مشکل طراحی شده‌اند. حذف دو فصل فرصت مناسبی ایجاد کرده است که با وجود کاهش ساعت، از عمق آموزش کاسته نشود.

## ♦ اهداف برنامه‌ریزی درسی سال ۹۲

وقتی ما از برنامه‌ریزی درسی صحبت می‌کنیم، چه در مقام معلم چه در مقام سرگروه باید به چهار عنصر دقت کنیم. در برنامه‌ریزی درسی سابق اهداف به سه گروه شناختی، مهارتی و پرورشی تفکیک می‌شدند. در برنامه سال ۱۳۹۲ بنیان آموزش براساس عناصر اصلی پنج‌گانه تفکر، ایمان، دانش، علم و عمل استوار است. مهم نیست کتاب چه شکلی است یا محتوای آن چیست، مهم این است که این پنج عنصر را سرلوحه فعالیت‌های تحصیلی قرار دهیم.

از این پنج عنصر، سه مورد در طبقه‌بندی علم دیده می‌شود. بر دو عنصر بیشتر تأکید شده است؛ علم و عمل که در برنامه قبلی هم آن‌ها را داشتیم. اخلاق و تفکر اضافه شده‌اند و قرار است در درس فارسی بیشتر به آن‌ها پرداخته شود. اگر هدف ما پرورش توانایی اندیشیدن باشد، این هدف همه چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف ما پرورش توانایی اندیشیدن درباره پدیده‌هاست. باید برای رسیدن به این هدف به درستی از روش‌ها و راه‌ها استفاده کنیم. بر بنیاد این پنج عنصر ما فصل‌بندی محتوای کتاب فارسی را تغییر داده‌ایم. فصل‌بندی هفت‌گانه سر جایش است و فقط دو فصل آن حذف شده است؛ فصل فرهنگ و هنر که احساس کردیم در فصل زیبایی‌های آفرینش یا در اخلاق و زندگی، فرهنگ را داریم. و هنر ایرانی که آن را هم در ادبیات ایرانی داریم.

زینب شریعت  
(منطقه ۱۲):

جای اشعار بزرگانی چون محمدعلی فروغی و بهار در کتاب خالی است. همچنین اگر داستان نویسی بیشتر و رسمی‌تر کار شود، بهتر است.

منصوره گرچی  
(منطقه ۶):

در حوزه ادبیات قرآنی در کتاب فارسی چیزی نداریم. اگر بعد از صفحه نیایش به عنوان درس یا مطالعه آزاد، یک صفحه به ترجمه حمد و سوره اختصاص یابد و بچه‌ها ملزم باشند آن را حفظ کنند، خوب خواهد بود.

## دکتر اکبری شلدره:

کتاب‌ها برحسب گنجایشی که در برنامه پیش‌بینی می‌شود، سامان‌دهی می‌شوند. شما نباید یک پایه را به‌طور جدا ارزیابی کنید. کتاب‌ها در تمامی پایه‌های دوره دوم متوسطه با هم هماهنگ و هم‌نوا هستند. بنابراین اگر بهار را در پایه اول نداریم، حتماً در پایه بعدی داریم. باید این پایه‌ها را با هم دید. اما به هر حال گنجایش کتاب محدود است و هر چه بکنیم مطالب بسیاری کنار زده خواهند شد. در این راستا درس آزاد به‌منظور افزودن به قابلیت انعطاف برنامه و محتوای درسی ارائه شده است که هر دانش‌آموز می‌تواند به خواست خودش و راهنمایی معلم درس تولید کند.



## ◆ کمک به معلمان با کاهش محتوای درسی و روش تدریس

در خصوص کاهش ساعت آموزش نظر من این است که صدای اعتراض ما به جایی نمی‌رسد. در سال ۱۳۷۲ طی نشست، نامه‌ای با سرگروه‌های ادبیات فارسی تنظیم شد که در آن قید شد امتحان، «کتبی - شفاهی» باشد. اکنون ۲۰ سال از آن تاریخ می‌گذرد و هنوز این اتفاق نیفتاده است. بنابراین ما برنامه‌ریزی چهار ساعت آموزش را داریم و در این راستا سعی کرده‌ایم با حذف دو فصل، فشار را از دوش معلم برداریم. ۲۱ درس به ۱۵ درس کاهش یافته است. البته کلاس آزاد هم داریم که در دوره ابتدایی به صورت یک واحد یادگیری آمده و در دوره متوسطه به یک فصل تبدیل شده است به نام ادبیات بومی که از طریق این فصل هم، اهداف درس آزاد محقق می‌شوند. به این ترتیب، به استان‌ها و مناطق دور این امکان را می‌دهیم که خواسته‌ها و آمال خود را از طریق ادبیات بومی سر کلاس بخوانند. در ادامه بحث باید گفت ما برای اهداف طبقه‌بندی پنج‌گانه داریم. بر بنیاد عنصر اول عنصر دوم شکل می‌گیرد. ما معلم ادبیات هستیم، ادیب نیستیم. باید سوادمان را با زمان پایین بیاوریم تا از اقیانوس ادبیات به اندازه پنج پیمان برداریم. طبق برنامه ما بیش از پنج پیمان نمی‌خواهیم؛ چون ساعت درس ما چهار ساعت است. خیلی وسیع فکر نکنید. فقط آنچه را که برای شما تعریف شده است، انتقال بدهید.

### خدیجه زارعی گرلو (منطقه ۱۴):

این کسر ساعت در ادبیات آسیب مستقیم به درس انشا می‌زند. حداقل به جای کلاس‌های ضمن خدمت، کلاس‌های انشانویسی بگذاریم. احساس می‌کنم همکاران انشانویسی و شعرخوانی را بلد نیستند.

### پروانه پاتیار (منطقه ۱۹):

پیشنهاد می‌کنم که برای درس انشا محبت جداگانه و مستقلی داشته باشیم؛ مثل درس فارسی که به صورت نکته به نکته آمده است. درس انشا نباید کم‌رنگ و منحصر به یک کادر باشد.

### دکتر اکبری شلدره:

اگر برنامه درسی درست اشاعه داده نشود، به نتیجه درستی نخواهیم رسید و خطا از ماست. آموزش معلمان از خود کتاب مهم‌تر است. زبان آموزی درگاه ورود به دنیای یادگیری است. تا این مرحله اصلاح نشود، نمی‌توان گام‌های پسین را پیمود. واقعیت این است که یادگیری زبان در ادراک دانش‌های دیگر تأثیرگذار است و تردیدی در آن نیست.

### پروین کشاورز (منطقه ۱۷):

چرا فریاد اعتراض ما درباره کاهش ساعت ادبیات به جایی نمی‌رسد؟ ادبیات ریشه و فرهنگ ماست و تمام پیشینه ما با نقص آموزش زیر سؤال می‌رود. سال به سال یک ساعت از درس ادبیات کم می‌شود و این واقعاً دردآور است.

### دکتر اکبری شلدره:

مسئله این است که برنامه درسی ملی تصویب شده و در این برنامه ساعت‌های درسی از ۳۴ ساعت به ۳۰ ساعت تغییر کرده است. به هر حال این ۴ ساعت باید از جاهایی کسر می‌شود. اما قبل از هر کاری ما از کلیه همکاران کشور خواستیم نامه‌ای در این خصوص برای ما بفرستند. نامه به شورای عالی رفت و در جلسات آن هم من شرکت کردم و حرف‌هایی که لازم بود، گفته شد. باز هم شما نامه‌ای تنظیم کنید تا من پیگیری کنم. به هر حال کار نشدنی نیست.

### معصومه قندالی (منطقه ۱۷):

قبلاً ساعت انشا را حذف می‌کردند و به درس‌های دیگر اختصاص می‌دادند. با حذف یک ساعت از ادبیات، به دلیل سنگینی درس، معلم ناچار به حذف ساعت انشا خواهد بود.

تغییرات به این گونه است: در فصل اول کتاب، «اسلام و انقلاب اسلامی» سرفصل موضوع است. در سال ۱۳۹۲ این موضوع در فصل پنجم آمده است. دلیل آن هم مناسبت آن با دهه فجر است که از لحاظ زمانی با هم مقارن شدند. فصلی با عنوان «آفرینش زیبایی» مثال عینی سرفصل و موضوعی است که پنج عنصر هدف را در خود جای داده است. آفرینش با تفکر چه ارتباطی دارد؟ باید این دو را در خدمت هم قرار بدهیم تا دانش آموز به آفرینش به عنوان یک مسئله تفکر کند و ایمان، باور و اعتقادش نسبت به قبل بیشتر شود. در مورد عنصر «روش» ما روش‌هایی پیشنهادی ارائه داده‌ایم تا شما بخوانید و چنانچه امکان‌پذیر است، به کار بگیرید.

همه ما یک هدف را دنبال می‌کنیم و مهم نیست کتاب چند صفحه و زمان ما چقدر است. وقتی بخش نامه می‌آید که ۵۰۰ صفحه تدریس کنید، سر کلاس نمی‌توان از روش حل مسئله استفاده کرد. اگر هدف ما پرورش توانایی تفکر است، صد در صد حجم محتوا باید کم باشد و ما محتوا را کم کرده‌ایم. احتمال اینکه در سال ۱۳۹۳ هم فصل دیگری حذف شود، وجود دارد. در کلاس‌های ادبیات دوره اول متوسطه بحث‌های علمی داریم. در دوره دوم متوسطه باید از پیچ‌گوشی و آژگان بهره و آن را به خدمت بگیریم تا ببینیم چه می‌توانیم تولید کنیم. ابزار تولیدی ما یک نوشته است. اگر خواننده آن را بخواند و آگاه شود، نوشته زبانی و اطلاع‌رسانی است. اما اگر خواننده علاوه بر کسب اطلاعات لذت هم ببرد، می‌شود ادبیات. بیشتر از این انتظاری نیست. ما باید خودمان را به عنوان نویسنده، شاعر و معلم محک بزنیم.

بحث دیگر ارزشیابی سنتی است که کنار گذاشته شده و خود ما هم در کلام، ارزشیابی توصیفی را پذیرفته‌ایم. ارزیابی باید کیفی باشد. در ارزشیابی جدید باید ارزشیابی توصیفی را به خدمت بگیریم. ارزشیابی پایان ترم می‌تواند دو یا سه ارزشیابی باشد، ولی واقعاً ارزشی ندارد که در بند ارزشیابی سنتی باشیم. نگاه ما به آموزش در ادبیات باید تغییر کند و گرنه مهر ماه شما کتاب را می‌گیرید و عیناً مو به مو تدریس می‌کنید. در حالی که این درست نیست. درس آزاد در اصل برای شخص معلم است، برای اینکه معلم در طول سال دو انشا بنویسد. این سرفصلی مغازه‌ای است که به شما واگذار شده است و شما باید آن را پر کنید؛ به شرطی که متناسب با سرفصل و هدف ما باشد. کتاب همان کتاب است فقط تمرین‌ها اصلاح و نواقص حل شده‌اند. دستور زبان هم نظم گرفته است.

### نورصبا نثاری (منطقه ۱۴):

در بخش درس آزاد دانش‌آموزان دروس مقاطع بالاتر را انتخاب می‌کنند. من فکر می‌کنم اگر بخشی از این مبحث به محتوای دیگری مثل گزارش نویسی و مقاله‌نویسی سپرده شود، بهتر است.

### دکتر اکبری شلدره:

در ساختار کتاب جدید گزارش نویسی و مقاله‌نویسی گنجانده شده است.

عکاس: غلامرضا بهرامی

